

نمود، ماده مربوط به مسئولیت کیفری دولت‌ها کاملاً حذف شد. در سطح بین‌المللی در مواردی از قبیل نقض فاحش هنجارهای اساسی و به‌ویژه مواردی که در برخی از اسناد «جنایت بین‌المللی» توصیف شده‌اند، جامعه‌ی جهانی بی‌آن‌که نامی از مسئولیت کیفری و مجازات ببرد اقدام به واکنش‌هایی نموده است که به‌جز مجازات نمی‌توان نام دیگری بر آن نهاد. این واکنش‌ها عمدتاً از سوی شورای امنیت صورت گرفته‌اند. (سلیمی، ۱۳۷۶، ۲۲۱ - ۲۲۲)

امروزه تروریسم بین‌المللی و تأمین مالی آن در جامعه‌ی بین‌المللی جنایتی آشکار محسوب می‌شود که واکنش مناسب در قبال آن ضروری است. البته این جنایت که پیش‌تر توسط اشخاص و گروه‌های غیردولتی ارتکاب می‌یافت، اکنون نه‌تنها توسط دولت‌ها نیز قابل ارتکاب است بلکه رواج بیشتری دارد و بدیهی است که چنین دولتی به‌تبع اقدام خود مسئولیت کیفری داشته و لازم است با واکنش بین‌المللی روبرو گردد. (سلیمی، ۱۳۷۶، ص. ۲۷۹) البته موضوع احراز مسئولیت کیفری دولت‌ها و ضرورت واکنش علیه دولت خاطی نباید به دستاویزی برای اقدامات یک‌جانبه و بدون کنترل کشورها علیه یکدیگر تبدیل شود. تجویز توسل به‌زور توسط هر دولتی بر علیه دولت جنایت‌کار، به‌ویژه وقتی که اختیار تشخیص و تعیین جنایت‌کار بودن با دولتی باشد که به‌زور متوسل می‌شود، عملاً نتیجه‌ای جز هرج‌ومرج در پی نخواهد داشت و منجر به سوءاستفاده‌های گوناگون خواهد شد. با این حال جامعه‌ی بین‌المللی زمانی که دولتی را جنایت‌کار بداند، نسبت به اقدام مسلحانه علیه آن دولت واکنش بسیار ضعیفی از خود نشان می‌دهد، درحالی‌که اگر همین مداخله نظامی علیه دولت بی‌گناهی انجام شود جامعه بین‌المللی واکنش شدیدتری از خود نشان خواهد داد.

در این خصوص می‌توان به مداخله‌ی آمریکا در عراق در سال ۱۹۹۳ که به دنبال سوءقصد عوامل اطلاعات عراق به جان جورج بوش در کویت صورت گرفت، اشاره نمود که طی آن ناوهای آمریکایی مستقر در دریای سرخ و خلیج فارس ۲۳ موشک کروز به ساختمان‌های مرکزی اطلاعات عراق در بغداد شلیک کردند، که این اقدام آن‌ها حداقل ۸ کشته و ۱۲ زخمی از میان غیرنظامیان